



## در جستجوی متن «نقد متن پژوهی مدرن در ترازو»

مجتبی مجرد<sup>۱</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی،  
دانشگاه بجنورد، ایران

متن پژوهی دانشی است که با وجود پیشینه‌ای دراز، از حدود قرن نوزدهم میلادی به شکلی متمایز و روشمند، به شاخه‌ای از تحقیقات علوم انسانی تبدیل شد. این دانش که در تمدن اسلامی بیش‌تر با عنوان تصحیح متن شناخته می‌شود، در قرن اخیر دچار دگرگونی‌های روشی و محتوایی ویژه‌ای شده، که در پاره‌ای از موارد، به کلی با گذشته خود تفاوت دارد. جرّم مک گن یکی از متن‌پژوهان برجسته معاصر است، که دیدگاه‌های ویژه‌ای در حوزه متن‌پژوهی ارائه داده‌است. مهم‌ترین نظرات مک گن که ناظر به ویژگی‌های اجتماعی و چگونگی تولید متن در بستر جامعه است، در کتاب معروف وی، نقد متن‌پژوهی مدرن مطرح شده‌است. ما در این مقاله کوشیده‌ایم به معرفی، بررسی و نقد این اثر بپردازیم، تا از این رهگذر بتوانیم جایگاه این کتاب را در مواجهه با مهم‌ترین بنیادهای نظری متن‌پژوهی تبیین کنیم.

**واژه‌های کلیدی:** متن‌پژوهی، تصحیح انتقادی، جرّم مک گن، نیت مولف.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> mojarrad\_mojtaba@yahoo.com

## مقدمه

متن‌پژوهی یا نقد متنی<sup>۱</sup> دانشی است که از اواخر قرن هجدهم میلادی در اروپا به طور جدی مطرح شد. اصلی‌ترین نظریه‌پرداز و بنیان‌گذار متن‌پژوهی مدرن را کارل لاکمن<sup>۲</sup> (۱۷۹۳-۱۸۵۱) می‌دانند. این دانش چنان که از نامش برمی‌آید، در پی سنجش و ارزش‌گذاری دستنویس‌های متون کهن است و می‌کوشد با بهره‌گیری از دستنویس‌های باقی‌مانده از یک اثر، آن را بازسازی کند. از زمان لاکمن تاکنون، روش‌های گوناگونی برای چگونگی سنجش و به‌کارگیری دستنویس‌ها در تصحیح یک متن مورد بررسی قرار گرفته‌است؛ به گونه‌ای که امروزه چندین روش شناخته‌شده در این حوزه وجود دارد. برخلاف تصور بسیاری از متن‌پژوهان، اندیشهٔ بازسازی یا دستیابی به متنی عاری از تحریف، مربوط به دورهٔ جدید نیست. گرچه روش‌هایی که امروزه در تصحیح متون کاربرد فراوانی دارند، تا حد زیادی وامدار روش‌های جدید نقد متنی‌اند، اما پیشینیان نیز در این عرصه کوشش‌هایی کرده‌اند و دیدگاه‌های نظری خاصی از خود برجای نهاده‌اند. به عنوان نمونه، محدثان و عالمان مسلمان از قرون دوم تا پنجم هجری، به تدریج قواعد خاصی برای سنجش اعتبار متون وضع کردند (مجرد، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۱۱۸). این قواعد بعدها بیش‌تر توسعه یافت، به گونه‌ای که در قرن بیستم برخی از دانشمندان مسلمان و حتی غیرمسلمان این گمانه را مطرح کردند که نقد متنی مدرن، برگرفته شده از سنت تصحیح متن در تمدن اسلامی است (برجستراسر، ۱۹۹۵، ۱۱-۱۲؛ هارون، ۱۹۹۴، ۸۲).

از آغاز قرن بیستم میلادی، جدال بر سر روش‌ها و پیش‌فرض‌های نقد متنی، به پیدایش پرسش‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی دربارهٔ متن منجر شد. در این میان، چپستی رابطهٔ بنیادین متن و مؤلف، معیارهای مشروع دانستن یا نداشتن متن، چپستی نیت مؤلف و چگونگی بررسی متن در روند تاریخی و اجتماعی‌اش، از جمله مهم‌ترین مسائلی بوده که محل بحث و تضارب آرا قرار گرفته‌است. دیدگاه‌های لاکمن و پیروانش از سوی دیگر متن‌پژوهان جرح و تعدیل شده و دیدگاه‌های جدید، بنیادهای فکری خود را عرضه کرده‌اند؛ بنیادهایی که در پاره‌ای از مبانی و اصول به کلی متمایزند و با پیش‌فرض‌های فلسفه و دانش جدید بشری همخوانی دارند.

جرم مک‌گن<sup>۳</sup> (۱۹۳۷) یکی از متن‌پژوهان صاحب‌نظری است که امروزه به عنوان آغازگر متن‌پژوهی جامعه‌شناسانه شناخته می‌شود. وی در عرصهٔ متن‌پژوهی مدرن، دیدگاه‌های اجتماعی خاصی مطرح کرده‌است که پاره‌ای از بنیادهای نظری این دانش را به چالش می‌کشد. کتاب نقد متن‌پژوهی مدرن یکی از مهم‌ترین آثار مک‌گن است که اندیشه‌های اجتماعی وی در برخورد با متون به ویژه متون دوران صنعت چاپ را منعکس می‌کند. ما در ادامهٔ این نوشته، نخست به معرفی و طرح مباحث کتاب می‌پردازیم و در ادامه، دیدگاه‌های مک‌گن را نقد و ارزیابی خواهیم کرد.

<sup>۱</sup> Textual Criticism.

<sup>۲</sup> Karl Lachmann.

<sup>۳</sup> Jerome J. McGann.

### معرفی و مباحث کتاب

کتاب نقد متن‌پژوهی مدرن<sup>۱</sup> در سال ۱۳۹۴ شمسی به وسیله انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب در ۱۷۵ صفحه منتشر شده است. خانم سیما داد، مترجم اثر، این کتاب را از روی چاپ سوم آن که در سال ۱۹۹۹ میلادی منتشر شده، ترجمه کرده است. ترجمه اثر تا حد زیادی مقبول و نیکوست و تسلط مترجم را بر واژگان و اصطلاحات تخصص این کتاب دشوارخوان می‌رساند؛ با این همه، متأسفانه کتاب از اغلاط مطبعی خالی نیست و می‌توانست دست‌کم ویرایش ادبی خوبی بشود. از آنجا که این مقاله در پی نقد و بررسی بنیادهای فکری و فلسفی این کتاب است، از ذکر نمونه‌های فاقد ویرایش ادبی و اغلاط مطبعی چشم می‌پوشیم؛ ضمن آنکه وجود این اشکالات، چیزی از ارزش کار مترجم محترم و سخت‌کوش آن نمی‌کاهد.

پس از مقدمه مبسوط و ارزشمند مترجم (ص ۹-۲۴)، پیشگفتاری از د. چ. گریثام، پژوهشگر انگلیسی‌تبار آمریکایی، استاد دانشگاه شهری نیویورک و یکی از اعضای انجمن متن‌پژوهان آمریکا آمده است (ص ۲۵-۳۸). گریثام در این پیشگفتار به بررسی و تحسین دیدگاه جامعه‌شناسانه مک‌گن در رویارویی با متن می‌پردازد و نقدهای وی بر دیدگاه‌های رایج تصحیح متن را می‌ستاید. از نگاه گریثام، زمان آن رسیده که «کتاب شوق برانگیز مک‌گن» فراروی نسل تازه‌ای از خوانندگان قرار گیرد تا تحسین بیش‌تری نثار آن شود (ص ۳۸).

در ادامه، مقدمه مؤلف بر چاپ دوم (ص ۳۹-۴۱)، قدردانی (ص ۴۳) و مقدمه وی بر چاپ نخست کتاب (ص ۴۵-۵۶) آمده است. از آنجا که مباحث مطرح شده در مقدمه‌های مؤلف، به طور تفصیلی در فصل‌های دهگانه کتاب مطرح شده، به آن‌ها نمی‌پردازیم. فصل نخست تاریخچه مختصری از متن‌پژوهی مدرن است. مؤلف از یک روند دوپست و اند ساله سخن می‌گوید که در طی آن همه متن‌پژوهان و مصححان کوشیده‌اند تا متنی ارائه دهند «که بنا به معیارهای پذیرفته‌شده معمول، تا سر حد امکان منظور اصلی یا نیت نهایی مؤلف را در بر داشته باشد» (ص ۵۷). مؤلف معتقد است پیش‌فرض اصلی جریانی که بنیان‌گذار اصلی آن را کارل لاخمن گفته‌اند، این است که متن را از ناخالصی‌ها پاک کند و در نتیجه به تولید سند گمشده اولیه یا متن مؤلف دست یابد (ص ۵۸).

به گفته مک‌گن، نخستین اشکال اساسی در این روش زمانی خودنمایی کرد که مصححان در پی تصحیح آثار شکسپیر برآمدند. شکسپیر کارهایش را نه برای چاپ بلکه برای اجرا می‌فروخت. این آثار بلافاصله برای بازیگران رونویسی می‌شد و در پی آن خطاهای فاحش در متن پدید می‌آمد و یا به وسیله بازیگران نمایشنامه‌ها تغییر می‌یافت. در نهایت، این دسته از آثار بدون موافقت مؤلفان و صاحبان‌شان گردآوری و چاپ می‌شد. این آثار اگرچه با متون کهن شباهت‌هایی داشت، اما دست‌کم در دو مسئله تفاوت‌های بنیادینی را نشان می‌داد: نخست اینکه فاصله چندانی میان تولید اثر و بازسازی آن نبود و برخلاف متون کهن نیازی به نسب‌شناسی نداشت؛ دوم آنکه با وجود از بین رفتن اسناد معتبر، فرآورد

<sup>1</sup> A Critique of Modern Textual Criticism.

بازتولید متون اصلی، با چینن حروف انجام می‌شد نه با رونویسی. این متغیرها، باعث شد تا شکسپیرشناسان در روش لاختن پاره‌ای جرح و تعدیلات پدید آورند.

فصل دوم به دشواری محوری متن پژوهی مدرن می‌پردازد. در این فصل، سه نظریه نقد متنی مطرح و بررسی می‌شود. این سه نظریه که مبتنی بر پیش‌فرض‌های زبان-تبارشناسانه است عبارت‌اند از: نظریه طبع انتقادی، نظریه نسخه پایه و نظریه نیت نهایی مؤلف. از دیدگاه مک‌گن، این سه نظریه در نهایت ما را وامی‌دارد که به موضوع چهارمی نیز بپردازیم که نظریه نسخه غیر تخصصی یا امروزی شده‌است. نظریه طبع انتقادی در پی بازسازی تاریخ‌مندانه متنی نزدیک به اصل گمشده است. در این روش، نخست نسخه‌ها با یکدیگر مقابله می‌شود و این مقابله در نهایت به نسب‌شناسی متن می‌انجامد که نقش بنیادینی در انتخاب نسخه اساس خواهد داشت. پس از آن مصحح، نسخه‌بدل‌های حاصل از مقابله را به ترتیب می‌چیند (ص ۶۶). در یک طبع انتقادی، مصحح بر اساس نسخه اساس، متنی را عرضه می‌کند که یک سلسله اصلاحات و تصحیحات در آن انجام شده است (همان).

نظریه متن پایه که به سبب دشواری‌های خاص تصحیح آثار شکسپیر، به وسیله گرگ<sup>۱</sup> (۱۸۷۵-۱۹۵۹) مطرح شد، در پی ترسیم حد فاصلی بین موارد محتوایی<sup>۲</sup> و صوری<sup>۳</sup> متن است. تأکید این نظریه بر آن است که هرچند مصحح باید «نخستین چاپ خوب را به عنوان متن پایه» انتخاب کند و از آن در موارد صوری تبعیت کند، اما می‌تواند در ضبط موارد محتوایی آزاد باشد و از نسخه اساس عدول کند (ص ۶۸). به گفته گرگ هنگامی که بیش از یک تحریر از متن وجود داشته باشد (یا بیش از یک متن با اعتبارهای برابر موجود باشد)، انتخاب از بین آن‌ها قراردادی و بنا بر مصلحت خواهد بود (همان).

نظریه نیت نهایی محصول دوره‌ای است که نسخه‌های چندگانه‌ای از مولف در دست قرار گرفت: پیش‌نویس‌ها، دست‌نوشته‌های تصحیح شده، نسخه اصلاح شده مؤلف برای چاپخانه، نمونه چاپی و غیره. در چنین شرایطی، از دل سنت لاختن-گرگ، نظریه نیت نهایی مؤلف بیرون آمد (ص ۷۱). گرگ معتقد بود اعتبار، به هیچ وجه مطلق نیست و باید هر متن موجودی که بتوان یقین کرد مقصود نویسنده را به بهترین شکل باز می‌نماید، برگزید و با کم‌ترین دستکاری آن را دنبال کرد (همان).

در فصل سوم، آرمان باور نیت نهایی بررسی می‌شود. از دید مک‌گن، غایت نظریه نیت نهایی، استخراج قانونی است برای انتخاب متن در شرایطی که متون چندگانه کاملاً معتبری از مؤلف موجود است. این نظریه در پی آن است تا به قول گرگ به منطقی برسد که نه فقط راهکاری برای ترمیم و تصحیح باشد، بلکه به کار انتخاب از بین نسخه‌های چاپی معین هم بیاید (ص ۷۸-۷۹). مک‌گن به طور کلی با پیش کشیدن نظریه نیت مؤلف در حوزه تصحیح متون مخالف است، زیرا چنین طرحی را دچار عدم قطعیت می‌داند. به سخن دیگر، وی معتقد است در جریان تصحیح متن، همواره نوعی

<sup>۱</sup> W.W.Greg.

<sup>۲</sup> Substantives

<sup>۳</sup> Accidentals.

وساطت وجود دارد و وساطت مصححان و انگیزه‌های آن‌ها، دست کمی از وساطت کاتبان و چاپخانه ندارد (ص ۸۰-۸۱).

یکی از مهم‌ترین نظریات مک گن در همین‌جا مطرح می‌شود. به گفته او گاه نویسندگان در آثارشان برای جلوه دادن به زبان خود، با کمال میل خواهان همکاری ناشران و ویراستاران چاپخانه‌اند؛ چنان‌که بایرن<sup>۱</sup> (۱۷۸۸-۱۸۲۴) بسیاری از اصطلاحات ویراستار یا حتی کاتب آثارش را می‌پذیرفت (ص ۸۳). از آنجا که آثار ادبی بیش از آنکه فراورده‌هایی فردی یا روانشناسانه باشند، محصولاتی اجتماعی‌اند، تا هنگامی که تعامل‌شان با خواننده قطعی نشده، پا به عرصه حیات هنری نمی‌گذارند. برای رسیدن به تجربه چنین تعاملی، آثار ادبی باید در سلسله‌ای از تشکیلات اجتماعی متناسب، هرچند در حلقه کوچکی از انجمن‌های غیر حرفه‌ای تولید شود (ص ۸۳). مک گن با توجه به این مقدمات، نتیجه می‌گیرد که نیت نهایی- که مصححان در پی‌اند- بسیار فراتر از تصور است و نمی‌توان گمان کرد که فقط مؤلف یا کاتب یا ویراستار یا چاپخانه در تولید یک اثر نقش دارند و تحریفات از آن‌ها سرچشمه می‌گیرد، بلکه نهادهای گوناگون اجتماعی در تولید یک اثر ادبی نقش ایفا می‌کنند (ص ۸۷-۸۸).

در فصل چهارم، ویرایش آثار بایرن به عنوان یک نمونه مدرن از متن‌پژوهی مطرح می‌شود. در این فصل که تأییدی است بر مطالب مؤلف در فصل سوم، تلاش می‌شود عناصر اجتماعی تولید متن به طور محسوس در مقابل دیدگان مخاطب ترسیم شود. «در حقیقت، اثر مؤلف تنها تا وقتی استقلال دارد که هنوز یک آهنگ ناشنیده است، اما همین که به سمت انتشار می‌رود، پذیرای زنجیره‌ای از تصرفاتی می‌شود که شماری از متن‌پژوهان آن‌ها را به منزله تحریف می‌نگرند، حال آنکه می‌توان این مرحله را به منزله آماده شدن شعر برای حضور در جهان تلقی کرد» (ص ۸۹-۹۰). بر پایه این نگرش، اعتبار نهایی در مورد آثار ادبی نه از آن مؤلف باقی می‌ماند و نه متعلق به مؤسسه‌ای است که نویسنده به آن وابسته است؛ اعتبار متن در ساختار توافق‌هایی است که این دو مرجع شریک، در شرایطی ویژه بدان دست می‌یابند (ص ۹۲).

فصل پنجم- نیت نهایی و روایت‌های گوناگون (خطی-چاپی)- به تشریح دو دیدگاه مهم در باب نیت نهایی مؤلف و نقد آن‌ها می‌پردازد. گاسکل<sup>۲</sup> (۱۹۲۶-۲۰۰۱) و ثورب<sup>۳</sup> (۱۹۱۵-۲۰۰۹) معتقدند که طبع اول کتاب، باید به عنوان متن پایه (نسخه اساس) انتخاب شود، زیرا به متنی که نویسنده مایل بوده اثرش آن‌گونه خوانده شود، نزدیک‌تر است. در مقابل، باورز<sup>۴</sup> (۱۹۰۵-۱۹۹۱) نسخه دست‌نویست نویسنده را معتبرتر می‌داند، زیرا در گذر از مراحل چاپ دچار تحریف نشده و به نیت نهایی مؤلف نزدیک‌تر است (ص ۹۳). مک گن هر دو نظر را نادرست می‌داند، زیرا معتقد است مفهوم نیت مؤلف مبتنی بر دو پیش‌فرض است که اساساً وجود ندارند: ۱. نویسنده‌ای کاملاً صاحب اختیار که بدون توجه به نظر و

<sup>۱</sup> George Gordon Byron.

<sup>۲</sup> Philip Gaskell .

<sup>۳</sup> James Thorpe.

<sup>۴</sup> Fredson Thayer Bowers .

تصمیم دیگران به کار خود پردازد؛<sup>۲</sup> متنی مبتنی بر نیت مطلوب و آرمانی مؤلف (ص ۹۴). مؤلف، تفاوت بنیادین متن پژوهی مدرن و تصحیح متون کهن را در آن می‌داند که مصحح متون کهن در پی «اصل‌های گم‌شده‌ای» است که ویرایشگر متون جدید آن‌ها را در اختیار دارد. مصحح سنتی می‌کوشد تحریفات و اغلاط راه‌یافته به متن را بزدايد، اما ویرایشگر متون جدید در این اندیشه است که چطور بین تحریرهای متن تمایز قابل شود تا در نهایت یکی را انتخاب کند، آن هم تحریرهایی که عمدتاً «تحریف ناشده‌اند» (ص ۹۵-۹۶). مک‌گن دوباره به سراغ آثار بایرن می‌رود و با تاکید بر اینکه وی بارها اشعارش را به اشاره دیگران اصلاح کرده‌است، می‌نویسد: «البته بایرن همیشه «مؤلف» آن شعر باقی می‌ماند، اما مفهوم انتقادی مؤلف متن چیزی نیست که بتواند به راحتی بر خود مستقل تاریخی‌اش تطبیق داده شود... گاه نیت متون بایرن زیر فشار نیت دیگران ناپدید می‌شود» (ص ۹۸).

نیت نهایی مؤلف: مخالفت‌ها و بدفهمی‌ها، عنوان فصل ششم کتاب است. مسئله نیت نهایی نویسنده از دل سنت لاجمن-گرگ بیرون می‌آید. در این سنت، مصحح برای ارائه متنی با کم‌ترین تحریف، به نسب‌شناسی و مرتب کردن نسخه‌ها می‌پرداخت. در مقابل این دیدگاه، نظریه ژوزف بدیه<sup>۱</sup> (۱۸۶۴-۱۹۳۸) قرار داشت که معتقد بود تلاش برای بازسازی اثری اصیل از رهگذر ساخته‌های بعدی، هم ناممکن و هم گمراه‌کننده است؛ در چنین شرایطی باید به دنبال بهترین متن<sup>۲</sup> باشیم و آن را تصحیح کنیم. در این نگرش نیت مؤلف کنار گذاشته می‌شود و هیچ کس نمی‌کوشد، سند گم‌شده اصلی را از نو بسازد (ص ۱۰۱-۱۰۲).

مک‌گن با نظریه نیت مؤلف سر سازگاری ندارد و آن را مفهومی به شدت غامض می‌داند. از نظر وی، این مفهوم به ویژه در رابطه با آثار جدیدتر، اغفال‌کننده است. او قائل به دو گونه متن است: نخست متونی که نمی‌توانیم در آن‌ها نیت نهایی نویسنده را تعیین کنیم، زیرا روایت‌های ناهمگون چندگانه‌ای را در مقابل ویرایشگر قرار می‌دهد. متون چند تحریری، شعرهای مناسبتی که بعدها به دست شاعر دچار تغییر شده و دستکاری‌های گوناگون خود مؤلف در آثار خویش، نمونه‌هایی‌اند از این دست (ص ۱۰۴-۱۱۰). دوم متونی که فرایند اجتماعی شدن آن‌ها تا حدی متوقف شده و نویسنده کار خود را بدانجا رسانده که ویرایشگر بتواند از نیت نهایی سخن بگوید؛ به عبارت دیگر متنی داریم که هنوز وارد جریان ویرایش و اصلاح نشده‌است. این متون نشان می‌دهند که مفهوم نیت مؤلف زمانی در جریان نقد جان می‌گیرد که اثر هنرمند در ساحت فعل و انفعالات اجتماعی وارد و با این ویژگی‌ها تولید شود؛ در نتیجه معیار انتقادی برای اعتبار بخشیدن به متن، نمی‌تواند تنها از مؤلف و نیت او برآید (ص ۱۱۱).

فصل هفتم به «مسئله اعتبار ادبی» می‌پردازد. از آنجا که مؤلف، نقطه مرکزی اعتبار متن به شمار می‌رود، مناسبات پویای اجتماعی که دائماً در تولید اثر ادبی نقش دارد، در جریان نقد، از نظر پنهان می‌ماند (ص ۱۱۷). آنچه می‌تواند به متن اعتبار ببخشد، بازسازی اثر مؤلف و نیت او نیست، بلکه

<sup>1</sup> Joseph Bedier.

<sup>2</sup> best-text.

بازسازی همه جانبه اثر مؤلف و فضای پیرامونی کار اوست. اعتبار متن در چند حوزه گسترده می‌شود. بسیاری از بازبینی‌ها و تغییراتی که در متن پدید می‌آید، در واکنش به فشارهایی است که از سوی خوانندگان و منتقدان وارد می‌شود. بنابراین اگر خوانندگان و منتقدان بعدی، موضوع را متفاوت ببینند، مسئله اعتبار جا نیفتاده‌است (ص ۱۲۰).

از سوی دیگر ماهیت اعتبار در اموری مانند شعر که با تولیدات فرهنگی سروکار دارد، نسبی است؛ از همین رو با وجود آنکه خواست و نیت مؤلف اهمیت دارد، اما اعتبار متن را باید به متن‌پژوه سپرد تا در فضای اجتماعی بازتری مورد سنجش قرار گیرد (ص ۱۲۴). طبع یا نسخه‌نهایی نیز امری نسبی است و شاید هیچ وقت وجود نداشته باشد، نه در گذشته، نه اکنون و نه در آینده. به گفته مک‌گن، مصححان متونی با تحریرهای گوناگون را – که فرایند تاریخی و بازتولیدشان محذوف شده – در هم می‌آمیزند تا از آن میان بتوانند یکی از چندین تحریر مجاز را به عنوان متن اساس برگزینند. در چنین حالتی، متنی که در دسترس ما قرار می‌گیرد به هیچ وجه صورت احیا شده متنی که از میان رفته نیست، بلکه روایتی است از میان تحریرهای بسیاری که می‌توان هر کدام‌شان را انتخاب کرد (ص ۱۲۵).

فصل هشتم در باب «طبع‌های امروزی شده و نظریه متن‌پژوهی» است. در این فصل، سخن از وجه تمایز طبع‌های عالمانه یا انتقادی از یک سو و طبع‌های امروزی شده یا غیر انتقادی از سوی دیگر است. مؤلف کوشیده است به بررسی و نقد نظریات متن‌پژوهان معاصر بپردازد و پاسخ‌های آنان به پرسشی بنیادین در حوزه متن‌پژوهی را بررسی کند. پرسش بنیادین این است که در تصحیح یک اثر بر مبنای چند نسخه، چگونه می‌توان بین گزینه‌های مختلف داوری کرد؟ و کدام اصول یا نظریات – اگر وجود داشته باشد – باید مبنای تعیین یا نتخاب متن باشد؟ (ص ۱۳۷).

گن پس از ذکر نظرات گوناگون به این نتیجه می‌رسد که هیچ قانون جامعی برای تعیین مبنایی جامع در انتخاب نسخه‌های یک اثر وجود ندارد، زیرا تأثیرات سازمانی بر یک متن، همیشه تأثیر بیگانه یا ویرانگر نیست و اتفاقاً گاهی برعکس تأثیرات بسیار مفیدی است. بنابراین، واسطه‌ها و تأثیر آن‌ها باید به عنوان واقعیات تلقی شوند و نباید به این اندیشید که می‌توان متن را از دخالت آن‌ها زدود. همچنین باید توجه داشت که در دوره مدرن، روایت‌های چند تحریری اصیلی داریم که نسخه‌های معتبر آن‌ها از بین نرفته، اما آن قدر روایت‌های مقبول در شکل‌های متنوع از متن وجود دارد که مفهوم نیت‌نهایی به عنوان معیاری برای انتخاب، اغلب بی‌ثمر به نظر می‌رسد (ص ۱۳۸).

در چنین شرایطی، ما با وضعیت «هم این و هم آن» سروکار داریم نه با وضعیت «نه این و نه آن». بنابراین در برخورد با گزینه‌های متعدد اصیل، مصحح نباید نظامی را به متن تحمیل کند که داعیه‌گزینش یک متن مطلوب تلفیقی را دنبال می‌کند، بلکه باید تصمیم بگیرد که کدام یک از متون اصیل را بر اساس شرایط زیر انتخاب کند: الف) وضع کنونی متن‌پژوهی به طور کلی، هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی؛ ب) درک زنده از تاریخچه متن‌شناختی اثر مورد بحث (شامل انشاء، تولید، بازتولید و تاریخچه دریافت آن به وسیله مخاطب)؛ ج) نارسایی‌هایی که طرز کار انتقادی در حال حاضر به آن‌ها

دامن زده و در متونی که به ما رسیده، ظاهر می‌شوند؛ د) اهداف فوری و برنامه‌ریزی شده طبع انتقادی (ص ۱۳۹).

فصل نهم «خلاصه» ای است از مباحث کتاب. مؤلف دیدگاه‌های تنزل<sup>۱</sup> را در سه موضوع اصلی مطرح می‌کند و نشان می‌دهد که دیدگاه‌های وی دست‌کم در دو مورد از این سه موضوع به شدت با او تفاوت دارد. تنزل «ساده کردن متن از طریق نظم دادن و امروزی کردن آن» را «غیر تاریخی کردن» و مانع کوشش منتقدانه برای ایجاد متنی صرفاً تاریخی می‌داند، در حالی که مک‌گن این نظر را نادرست دانسته، معتقد است رفتار با متن در هر طبعی، به طور مشخص به وسیله‌عاملی که همان خواسته مخاطب است تعیین می‌شود (ص ۱۴۶). نکته دوم این است که برداشت تنزل از نیت مؤلف و نیز مفهوم تألیف، دیگر به کار توضیح هر آنچه در تولید آثار ادبی روی می‌دهد، نمی‌آید، زیرا فاقد بُعد اجتماعی است که بر فرایند تولید ادبی سایه می‌افکند (ص ۱۴۷). سومین مسئله توجه به جایگاه عوامل اجتماعی در فرایند تولید اثر است. بنابراین دیدگاه، وجود نسخه‌بدل‌های نزدیک به هم صرفاً متوجه مؤلف نیست، بلکه متوجه تعامل وی با تشکیلات تولید ادبی است (ص ۱۴۸).

فصل دهم «نتیجه‌گیری» است. روش تاریخی متن‌پژوهی که از سده هجدهم آغاز شد، می‌کوشید همت مصحح را مصروف آن کند که تا سرحد امکان به بازسازی تخیلی و کامل مؤلف زمان‌های دور - از طریق زدودن خطاهای انباشته در متون کهن - توفیق یابد. اما این دیدگاه، به‌ویژه در باب متون مدرن تنگناهایی را پدید می‌آورد که مهم‌ترین آن جدایی مؤلف از ساختار اجتماعی تولید ادبی اوست. بنابراین وقتی درباره وضعیت و اهمیت متن‌های گوناگون، بر پایه تنها یک معیار - نیت نهایی مؤلف - داوری می‌کنیم، به کج‌فهمی‌های جدی درباره ماهیت تولید ادبی دامن می‌زنیم. تحلیل و بررسی متون باید به گونه‌ای باشد که نیت مؤلفان در آثارشان و نیز میزان بازبینی و اصلاح مؤلف یا غیر او را آشکار سازد، اما تصمیم بنیادین درباره متن پایه و نسخه اساس را نباید صرفاً بر پایه چنین تحلیلی اتخاذ کرد (ص ۱۵۰-۱۵۳). کتاب با یک پیوست - با عنوان مخالفتی احتمالی - و یادداشت‌های مؤلف به پایان می‌رسد.

### نقد و بررسی

کتاب نقد متن‌پژوهی مدرن می‌کوشد با یک بازبینی انتقادی در نظریات پیشامدرن تصحیح متن - از قرن هجدهم تا زمان مولف - ویژگی اجتماعی بودن متن را در مرکز تحلیل‌های خود قرار دهد. مک‌گن معتقد است که عموم متن‌پژوهان مدرن، در نظریات خود از فرایند اجتماعی تولید متن غافل بوده‌اند و نقش سازمان‌ها و افرادی مانند چاپخانه‌ها، ویرایشگران، نظام‌های سیاسی، فشارهای اجتماعی و غیره را نادیده انگاشته‌اند. وی کوشیده است تا چند مفهوم بنیادی تصحیح متن را که به نظر مفاهیمی غیر قابل خدشه به شمار می‌رفته‌اند، به چالش بکشد تا از این رهگذر بتواند بُعد اجتماعی تولید متن را پیش چشم مخاطب کتاب ترسیم کند.

<sup>۱</sup> George Thomas Tanselle.



«نیت مؤلف»، «اعتبار متن» و «طبع نهایی» مهم‌ترین مفاهیمی‌اند که در این کتاب به چالش کشیده می‌شوند. مک‌گن برخلاف نظر مصححان مدرن، معتقد است چیزی به نام نیت مؤلف یا نیت نهایی مؤلف وجود خارجی ندارد و به عبارت دیگر، نیت مؤلف در تعامل با نظام اجتماعی خاصی که متن در آن تولید می‌شود، معنا می‌یابد. در این نگرش، متن زائیده مؤلف نیست، بلکه عوامل گوناگون اجتماعی، ویراستاران، و دیگر عوامل اثرگذار بر متن در تولید آن نقش دارند و نیت مؤلف بر اساس این عناصر تعیین می‌شود. بنابراین نیت مؤلف عاملی تعیین‌کننده نیست، بلکه «تنها یکی از عوامل پرشماری است که باید در نظر گرفته شود» (ص ۱۵۸).

به نظر می‌رسد زیربنای فکری مؤلف کتاب در این بحث، دیدگاه‌های باختین<sup>۱</sup> (۱۸۹۵-۱۹۷۵) و گادامر<sup>۲</sup> (۱۹۰۰-۲۰۰۲) است. وی از یک سو به منطق مکالمه باختین نظر دارد؛ منطقی که به چندگونگی آوایی در هنر باور دارد و معتقد است نباید متن را در جدایی و گسست از تکامل اجتماعی بررسی کرد (احمدی، ۱۳۷۰، ۱: ۹۴). از سوی دیگر، در نظریه مک‌گن فهم به معنای باززیستن تجربه‌های دیگری نیست و این همان چیزی است که گادامر به شدت با آن مخالفت می‌کرد. گادامر فهم را باززیستن نمی‌داند بلکه آن را «تفاهم و توافق بر سر موضوع مورد بحث» برمی‌شمرد (گادامر، ۱۳۸۷: ۲۰۳). لاکمن و پیروانش در پی متنی بودند که تا حد ممکن به نیت مؤلف نزدیک‌تر باشد، زیرا فهم را نوعی باززیستن در خلال تجربه مؤلف می‌دانستند، اما مک‌گن به تبعیت از گادامر، در پی تفاهم و توافق با متن است، متنی که خود حاصل تفاهم مؤلف و ساختار اجتماعی است.

نگرش لاکمنی، با کمی جرح و تعدیل، هنوز هم در دنیا و از جمله در ایران طرفداران زیادی دارد. این نگرش منکر زمینه‌های اجتماعی آفرینش متن نیست، اما در نهایت نیت مؤلف را مبنای مشروعیت متن قلمداد می‌کند. تمام آثاری که در زبان فارسی تصحیح شده، مبتنی بر پیش‌فرض نیت نهایی مؤلف است. با این همه، توجه به دیدگاه مک‌گن می‌تواند در باره برخی از آثار فارسی راهگشا باشد. به عنوان نمونه، یکی از مهم‌ترین مشکلات تصحیح دیوان حافظ این است که به احتمال بسیار زیاد، وی در دوره‌های گوناگون زندگی خویش پاره‌ای از اشعارش را به دلایل گوناگون حک و اصلاح می‌کرده و به همین سبب در نسخه‌های گوناگون اشعار وی تفاوت‌هایی از این دست به چشم می‌آید که ناشی از تعامل شاعر با شرایط و ساختار اجتماعی عصر خود است. در مواردی از این دست، عرضه کردن یک متن به عنوان بهترین متن یا متن نهایی، کاری جنون‌آمیز به شمار می‌آید.

در چنین مواردی چه می‌توان کرد؟ از نظر مک‌گن در این موارد، تقریباً تمام تصحیحاتی که به طور علمی، یک نسخه خاص را مد نظر قرار دهند، می‌توانند مشروعیت داشته باشند. راهکار دیگری که به وسیله برخی از مصححان و پژوهشگران اروپایی پیشنهاد شده است، تهیه متن جامع است. متن جامع، در بردارنده همه نسخه‌های یک اثر است، با این تفاوت که ضبط نسخه‌ها با یکدیگر درآمیخته نمی‌شود و

<sup>1</sup> Mikhail Bakhtin.

<sup>2</sup> Hans-Georg Gadamer.

هر کدام به طور مستقل در معرض دید پژوهشگر قرار می‌گیرد (برای اولین نمونه طرح متن جامع در ادبیات فارسی، ر.ک: زانولا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۷-۱۵۷).

توجه به متون چند تحریری و مشکلات تصحیح این متون که مک گن از آن برای پیشبرد نظریه خود بهره می‌برد، حتی در میان مصححان سنتی مسلمان نیز تامل برانگیز بوده است. عبداللطیف عباسی در قرن یازدهم هجری، وقتی مشغول تصحیح حدیقه سنایی بوده، به این مشکل اشاره کرده است. وی علت تشویش و اختلافات فراوان در نسخه‌های خطی حدیقه سنایی را ناشی از نسخه‌برداری‌های گوناگونی می‌داند که در زمان خود سنایی انجام شده است؛ بدین صورت که عده‌ای از تحریر اولیه حدیقه استنساخ کرده‌اند و عده‌ای از تحریر دوم که به وسیله خود شاعر اصلاح شده بوده، نسخه برداشته‌اند. به مرور زمان این نسخه‌ها در هم آمیخته و موجب تشویش متن حدیقه شده است. با این همه، عبداللطیف عباسی مبنای مشروع بودن تصحیح حدیقه را قدمت و صحت نسخه‌ها می‌داند و مانند مک گن قایل به مشروعیت تحریرها نیست (عباسی، ۱۳۸۷، ۱: ۴-۶).

آیا توجه به متون چند تحریری، مشروعیت نظریه نیت مؤلف را از بین خواهد برد؟ آیا تولید متن در تعامل با نهادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیت مؤلف را به کلی دستخوش تغییر خواهد کرد؟ طرح این پرسش‌ها در نهایت ما را به طرح پرسشی دیگر می‌کشاند و آن این است که اساساً چه چیز به متن اعتبار می‌بخشد؟ اینجا همان نقطه‌ای است که مک گن دیدگاه پلورالیستی خویش را مبنای قضاوت قرار می‌دهد. از نظر وی ماهیت اعتبار در متون ادبی، نسبی است: «اعتبار نهایی در مورد آثار ادبی نه از آن مؤلف می‌ماند و نه متعلق به مؤسسه‌ای است که نویسنده به آن وابسته است، این اعتبار در ساختار واقعی توافقی‌هایی جای دارد که این دو مرجع شریک در شرایطی به آن دست می‌یازند» (ص ۹۲).

چنان که اشاره شد، دیدگاه مک گن، تحت تأثیر دیدگاه‌های اجتماعی و معرفتی باختین و گادامر است. شاید از همین رو باشد که وقتی مک گن در باب نیت مؤلف سخن می‌گوید، آن را مقوله‌ای غیر قابل انعطاف در نظر می‌گیرد. حال آنکه به طور طبیعی نیت مؤلف در تعاملات اجتماعی نضج می‌یابد و سپس در خلال متن ترسیم می‌شود. اساساً نمی‌توان بدون حضور اجتماع، قایل به حضور مؤلف بود؛ اما از این مقدمه هم نمی‌توان نتیجه گرفت که چون نیت مؤلف در تعامل با اجتماع شکل می‌گیرد، بنابراین اعتبار متن وی نسبی است. به هر حال مؤلف در عین آنکه یک عضو اجتماع است، هویتی مستقل نیز دارد، هویتی که به افکار، عواطف و روحیات او فردیت می‌بخشد. این فردیت که بخش اعظم آن حاصل تعاملات اجتماعی است، در نهایت منجر به آرایه یک متن یا اندیشه می‌شود که در بستر اجتماع، تفسیری خاص را ارائه می‌کند. آیا این تفسیر خاص همان نیت نهایی مؤلف نیست؟ تفسیری که اگرچه قابل انعطاف است و در شرایط گوناگون می‌تواند رنگ تغییر به خود بگیرد، اما در نهایت از فردیتی خاص صادر شده است.

از سوی دیگر، نسبی دانستن اعتبار متن، حتی در متون چند تحریری، نکته قابل تأملی است. چنان که گفتیم پاره‌ای از اشعار حافظ شیرازی احتمالاً چندین بار به دست خود او اصلاح شده است، اما آیا این بدان معناست که هر کدام از این تحریرها، اعتباری نسبی و یکسان دارد؟ برای پاسخ به این پرسش

شاید نیاز باشد نخست به این مسئله بپردازیم که اساساً متون چند تحریری چرا به وجود می‌آیند؟ بی‌گمان مهم‌ترین عامل پیدایی متون چند تحریری، اصلاحات مداوم و مستمری است که به وسیله مؤلف در متن اعمال می‌شود. این اصلاحات چنان که مک‌گن معتقد است ریشه در تعاملات اجتماعی مؤلف دارد. اما آیا تفاوتی - از حیث اعتبار - میان تحریرهای متأخر و متقدم از یک اثر وجود ندارد؟ آیا مثلاً وقتی حافظ شیرازی در طول ده سال، شش بار یک غزل را اصلاح می‌کند، اعتبار هر کدام از این شش تحریر یکسان است؟

به نظر می‌رسد حتی در متون چند تحریری نیز، مسئله اعتبار کاملاً نسبی نیست، بلکه بستگی به عواملی دارد که موجب اصلاح یک متن می‌شود. هنگامی که عوامل تأثیرگذار در تحریرهای بعدی یک اثر، عوامل سیاسی یا اجتماعی خاصی است که مؤلف از روی اجبار به آن‌ها تن می‌دهد، می‌توان تحریرهای اولیه را معتبرتر شمرد. مثلاً هنگامی که شاعر مجبور است به سبب مسایل سیاسی بخشی از شعر خود را سانسور کند یا تغییر دهد، تحریرهای اولیه او، به سبب نزدیک‌تر بودن به خواست درونی شاعر، معتبرتر خواهد بود. اما در مقابل، هنگامی که اصلاحات یک متن بر پایهٔ تطور نظام زیبایی‌شناختی مؤلف یا شاعر رخ می‌دهد، تحریرهای متأخرتر معتبرترند و تحریر نهایی شاعر یا مؤلف، می‌تواند معتبرترین تحریر به شمار آید، زیرا خودخواسته و مطابق نیت مؤلف - و نه بر اساس جبر سیاست یا اجتماع - انجام گرفته‌است.

مهم‌ترین اشکال نظریهٔ نسبت متون مک‌گن این است که وی تمامی اصلاحات مؤلف یا شاعر را که منجر به تحریرهای بعدی می‌شود، ناشی از اجبار اجتماعی می‌داند و ناخواسته شاعر یا مؤلف را، مقهور دگرگونی‌های اجتماعی می‌شمارد. حال آنکه تکامل متن، لزوماً ناشی از اجبار اجتماعی نیست، بلکه تکامل ادبی و هنری مؤلف/شاعر، نظام زیبایی‌شناسانهٔ وی و پیش‌فرض‌های شخصیتی او نیز در آن مؤثر است. مجموعهٔ این عوامل اگرچه در بستر اجتماع صورت می‌بندد، اما در برابر نهادهای فرهنگی و اجتماعی به طور کامل سر تسلیم فرود نمی‌آورد.

مؤلف کتاب، از نسبت ماهیت اعتبار متن، به نسبت طبع/ نسخهٔ نهایی می‌رسد. وی معتقد است مصححان، متونی با تحریرهای گوناگون را در هم می‌آمیزند تا از آن میان بتوانند یکی از چندین تحریر مجاز را به عنوان متن اساس برگزینند. این دیدگاه که صورت عملی آن در چند دههٔ اخیر به شکل نظرات گوناگونی از جملهٔ نظریهٔ متن جامع مطرح شده‌است، می‌کوشد با ارائهٔ چند تحریر گوناگون از یک متن، همهٔ این تحریرها را مشروع قلمداد کند. گرچه ارائهٔ هم‌زمان چند تحریر از یک متن، می‌تواند روش مناسبی برای طبع/ نسخهٔ نهایی باشد، اما لزوماً تنها راهکار نیست. اگر قرار باشد که تحریرهای گوناگون به صورت مجزا و در کنار یکدیگر عرضه شوند و اعتبار نسبی داشته باشند، پس نقش مصحح در این میان چه خواهد بود؟ و آیا می‌توان پذیرفت که همهٔ این طبع‌های نهایی زاییدهٔ تکامل شخصیتی مؤلف/ شاعر است؟ از سوی دیگر آیندهٔ جهانی که عموم کتاب‌های چندین تحریر دارند و هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارد به کجا خواهد انجامید؟ داشتن چندین شاهنامه، چندین مثنوی، چندین دیوان

حافظ و هزاران چندین دیگر از این دست، که همگی در اعتبار یکسان اند و هر کدام چندین طبع/نسخه نهایی دارند، جایی برای متن پژوهی باقی خواهد گذاشت؟

به گمان نگارنده، یکی از مهم‌ترین پیش‌زمینه‌هایی که بحث نسبی بودن اعتبار متون را در فرهنگ اروپایی-آمریکایی تقویت می‌کند، مسئله کتاب مقدس و به‌ویژه اناجیل است. توجه به گونه‌گونی انجیل‌ها و تلاش ناخودآگاه برای وحدت بخشیدن به این متون، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، باعث شده است تا دیدگاه‌های مبتنی بر نسبیت اعتبار متون و به تبع آن، هم‌سان پنداشتن طبع‌ها/نسخه‌های نهایی رواج بیش‌تری بیابد و تلاش برای توجیه علمی این مسئله قوت بیش‌تری بگیرد. این در حالی است که نسبیت اعتبار متن، در تمدن‌هایی مانند تمدن اسلامی که در عرصه بازخوانی کتاب مقدس خود-قرآن- با چنین چالشی روبرو نیست، رواج و طرفداری نیافته است. پژوهش‌های متن‌شناسی همواره تحت تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم کتاب‌های مقدس بوده‌است و همچنان خواهد بود.

کتاب نقد متن پژوهی مدرن، می‌تواند در برنامه درسی رشته‌ها و گرایش‌های دانشگاهی مرتبط با نسخه‌شناسی و تصحیح متون مورد توجه قرار گیرد. این کتاب دست‌کم از حیث بررسی تاریخی روند متن پژوهی در دوره مدرن، ارائه دیدگاه‌های بنیادی و زیربنایی متن‌پژوهان برجسته و ترسیم تصویری از متن پژوهی که با اندیشه‌های نوین فلسفی و اجتماعی گره خورده است، می‌تواند اهمیت خود را پیش چشم مخاطب حفظ کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. احمدی، بابک (۱۳۷۰). ساختار و تاویل متن، تهران: نشر مرکز.
۲. برجستراسر، جوتهلّف (۱۹۹۵). اصول نقدالنصوص و نشر الکتب، ترجمه و تحقیق محمد حمدی البکری، بی‌جا: دارالکتب و الوثائق القومیّه.
۳. زانولا، والنّینا؛ مهدوی، محمدجواد و مجرد، مجتبی (مترجمان) (۱۳۹۱). «طرح متن جامع غزلیات سنایی»، جستارهای ادبی، ۴۵(۱۷۹): ۱۳۵-۱۶۲.
۴. عباسی، عبداللطیف (۱۳۸۷). لطائف الحدایق، مقدمه، تصحیح و تعلیق محمدرضا یوسفی و محسن محمدی، بی‌جا: انتشارات آیین احمد.
۵. گادامر، هانس گئورگ (۱۳۸۷). در بابک احمدی و مهران مهاجر و محمد نبوی (مترجمان)، هرمنوتیک مدرن: گزینه جستارها، تهران: نشر مرکز. صص ۲۰۱-۲۳۷.
۶. مجرد، مجتبی (۱۳۹۳). «زمینه‌های پیدایش و تطور دانش تصحیح متن در جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سا احمدی، بابک (۱۳۷۰). ساختار و تاویل متن، تهران: نشر مرکز.
۷. برجستراسر، جوتهلّف (۱۹۹۵). اصول نقد النصوص و نشر الکتب، ترجمه و تحقیق محمد حمدی البکری، بی‌جا: دارالکتب و الوثائق القومیّه.
۸. زانولا، والنّینا؛ مهدوی، محمدجواد و مجرد، مجتبی (مترجمان) (۱۳۹۱). «طرح متن جامع غزلیات سنایی»، جستارهای ادبی، ۴۵(۱۷۹): ۱۳۵-۱۶۲.
۹. عباسی، عبداللطیف (۱۳۸۷). لطائف الحدایق، مقدمه، تصحیح و تعلیق محمدرضا یوسفی و محسن محمدی، بی‌جا: انتشارات آیین احمد.
۱۰. گادامر، هانس گئورگ (۱۳۸۷). در بابک احمدی و مهران مهاجر و محمد نبوی (مترجمان)، هرمنوتیک مدرن: گزینه جستارها، تهران: نشر مرکز. صص ۲۰۱-۲۳۷.
۱۱. مجرد، مجتبی (۱۳۹۳). «زمینه‌های پیدایش و تطور دانش تصحیح متن در جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۲۵(۲): ۱۰۶-۱۱۹.
۱۲. مک‌گن، جروم ج (۱۳۹۴). نقد متن‌پژوهی مدرن: نقدی بر نظریه‌های چاپ انتقادی متون در انگلستان و آمریکا، ترجمه سیماداد، تهران: میراث مکتوب.
۱۳. هارون، عبدالسلام محمد (۱۹۹۴). تحقیق النصوص و نشرها، قاهره: مکتبه السنه. زماندهی اطلاعات، ۲۵(۲): ۱۰۶-۱۱۹.
۱۴. مک‌گن، جروم ج (۱۳۹۴). نقد متن‌پژوهی مدرن: نقدی بر نظریه‌های چاپ انتقادی متون در انگلستان و آمریکا، ترجمه سیماداد، تهران: میراث مکتوب.
۱۵. هارون، عبدالسلام محمد (۱۹۹۴). تحقیق النصوص و نشرها، قاهره: مکتبه السنه.



## Looking Text Critique of "Social Textual Criticism"

**Mojtaba Mojarrad<sup>1</sup>**

Assistant Professor of Persian Language and Literature, University of Bojnord, Iran.

The textual criticism is a partly new knowledge in the field of human sciences that its roots back more than a thousand years ago. This knowledge has been known in the Islamic civilization but with the fundamental and structural differences. In the modern era, Basics of textual criticism was changed. Jerome J. McGann is the one who has proposed new ideas in the field of textual criticism. He has proposed certain comments about the relationship between text and society, and how to produce the text in context. In this article we are trying to study and criticize his views.

**Keywords:** Textual Criticism, Jerome J. McGann, Intentions of the Author.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> E-mail: [mojarrad\\_mojtaba@yahoo.com](mailto:mojarrad_mojtaba@yahoo.com)